

ویژگی‌های مادر شایسته از دیدگاه اسلام و روانشناسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۱۵

جعفر هوشیاری^۱، محمد مهدی صفورایی پاریزی^۲

چکیده

تاریخچه بحث در مورد مادر به آغاز زندگی بشر برمی‌گردد و از ابتدای خلقت بشر، مادر و نقش او مورد توجه بوده است. در تاریخ اسلام، معصومان علیهم‌السلام اولین افرادی بوده‌اند که دقیق و موشکافانه به اهمیت جایگاه و نقش مادر پرداخته‌اند. پژوهش حاضر، ویژگی‌های مادر شایسته را از نگاه آموزه‌های دینی از زبان بزرگان دین، بزرگان روان‌شناسی و مربیان تعلیم و تربیت معرفی می‌کند و هدف آن، بالا بردن کیفیت ایفای نقش مادری و تعالی فرد، خانواده و اجتماع می‌باشد. در این تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، از منابع معتبر اسلامی و روان‌شناسی، ویژگی‌هایی به دست آمد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ایمان و تقوی، ایمان به نقش مادری، سلامت جسمی و روانی، اعتدال رفتاری، مسؤلیت‌پذیری، آمادگی برای مادر شدن، آگاهی از وظایف مادری، آگاهی از اصول و فنون تربیت، نظم و برنامه‌ریزی، خوش اخلاقی، صداقت، همراهی با کودک، ثبات هیجانی و شخصیتی، پاسخ‌گویی گرم و پذیرا، توجه به تفاوت‌های فردی، پذیرش مثبت فرزند، اقتدار در تربیت، صبر و خویشتن‌داری، ارتباط مؤثر، الگو بودن و توجه به نیازهای کودک.

کلید واژه: ویژگی، مادر، شایسته، اسلام، آموزه‌های دینی، آموزه‌های روان‌شناختی.

۱. دانش‌آموخته سطح سه، حوزه علمیه قم، کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ایران.

Email: mahdeh1359@yahoo.com

۲. استادیار روانشناسی تربیتی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: m.safurayi@miu.ac.ir

۱. مقدمه

خانواده، نخستین کانون رشد و آرامش بشری (جوادی آملی، ۱۳۹۱)، هسته اولیه اجتماع و از عوامل اصلی انتقال فرهنگ، اندیشه، اخلاق، سنت و ارزش‌ها به نسل‌های دیگر است و در میان اعضای آن، بیشترین سهم تأثیرگذاری وراثتی و تربیتی، از آن مادر است (فلسفی، ۱۳۷۷/۱، ۹۷). او نقش بیشتری در بهداشت، سلامت روان، رشد و تربیت کودک دارد؛ چراکه نخستین رابطه مستقیم کودک، با مادر است. همچنین نیازهای کودک را تأمین می‌کند، به خواسته‌های او پاسخ می‌دهد و کودک از عواطف، احساسات و نگرش‌های مادر بیشترین تأثیرپذیری را دارد. بنابراین، وظیفه مادر در برابر کودک، بیشتر و سنگین‌تر از دیگران است (فاسمی، ۱۳۸۲). **رسول اکرم ﷺ** و امامان **علیهم‌السلام** که حقایق را با نور وحی و الهام می‌دیدند، از این قانون عظیم خلقت آگاه بودند و دیگران را از اثرات آن آگاه کرده‌اند. کلمه «عرق» در روایات، معادل ژن و وراثت در علم امرواست و علم وراثت ثابت کرده که صفات جسمانی و اخلاقی از پدر و مادر به فرزندان به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. (فلسفی، ۱۳۷۷/۱، ۶۲).

زن در ایجاد فرزند و تکوین سلول اولیه کودک، نقش شریک را دارد و نصف سرمایه از او است. آنچه نقش او را برجسته‌تر می‌سازد، این است که نه ماه این سرمایه را در وجود خویش می‌پروراند و پس از تولد نیز دو مسأله مهم شیردهی و تربیت وجود دارد و نقش و تأثیر مادر در هر دو، بیش از پدر است. به تصریح اسلام، ویژگی‌های جسمی و روحی مادر با شیردادن به فرزند منتقل می‌شود. علوم تجربی نیز ثابت کرده است که سهم مادر در تکوین اولیه از پدر بیشتر است؛ چراکه افزون بر نقش اولیه، تمام پروتوپلاسمایی که اطراف هسته اولیه را می‌گیرد، از مادر است. به این ترتیب نقش او در ایجاد جنین از پدر بیشتر و وظیفه‌اش نیز سنگین‌تر است (فلسفی، ۱۳۷۷/۱، ۹۵-۹۴).

هدف خلقت انسان، «خليفة الله» شدن و رسیدن به مقام قرب الهی و کمال مطلوب است و اولین گام در این کمالیابی، داشتن سکوی پرواز مناسب یا همان دامن پاک و مادر شایسته است. دامن مادری می‌تواند کودک را برای پذیرش حق و دعوت انبیا و اولیای الهی آماده کرده، زمینه سلامت روانی او را فراهم کند و یا اینکه او را از مسیر مستقیم فطرت منحرف سازد: «کل مولود یولد علی الفطرة الا ان ابواه یهودانه و یمنرانه و یمجسانه» (مجلسی، بی‌تا، ۱۸۷/۵۸). حال

اگر برای چنین مادری، الگوی کاملی وجود نداشته باشد، در این مسیر دچار سرگشتگی و گمراهی خواهد شد. در این پژوهش تلاش خواهد شد با مطالعه و بررسی دقیق نظرات اسلام و روان‌شناسی، ویژگی‌های مادر شایسته استخراج و ارایه شود.

ویژگی به معنای خصوصیت، عنصر یا کیفیتی بادوام، مشخص‌کننده و تمایزدهنده است. صفت نیز بُعدی پایدار از شخصیت است که می‌توان آن را درجه بندی یا اندازه‌گیری کرد (اتکینسون، و همکاران، ۱۳۸۵). در این نوشتار مقصود از ویژگی‌های مادر، مجموعه‌ای از عقاید، افکار و صفات است که مادر برای ایفای مطلوب نقش خود باید داشته باشد، افزون بر اینکه امکان دستیابی به آنها برای نوع مادران وجود داشته باشد.

منظور از مادر کسی است که پرورش فرزندان را در دوران حمل و پس از آن برعهده دارد. همراه با واژه مادر، مفاهیمی چون تولد، توجه و مراقبت از کودکان، ارضای نیازهای عاطفی و روانی، احساس مسئولیت در قبال آنها و همچنین برقراری روابطی که نیازهای آنان را برآورده کند، به ذهن متبادر می‌شود و مادر به نوعی بودن انسانی، الزامات بیولوژیکی یا زنانگی اطلاق می‌شود (صادقی فسایی، ۱۳۷۴). همچنین جانشین مادر که مسئولیت کودک را به عهده می‌گیرد، باید دارای این ویژگی‌ها باشد تا بتواند از عهده مسئولیت‌های مادرانه برآید.

در سوره آل عمران آیه ده، دین به معنای شریعت و آیین به کار رفته است: «ان الدین عندالله الاسلام؛ هرآینه دین در نزد خدا دین اسلام است». در اصطلاح، دین به تمام قواعد، قوانین، آداب و آیین‌های عملی گفته می‌شود که راه و رسم عبادت و ارتباط با خدا و طرز رفتار افراد با یکدیگر را تعلیم می‌دهد (البستانی، ۱۳۷۲) و سیستم یا نظامی از گرایش‌ها، اعمال، مراسم، تشریفات و عقایدی است که جامعه در ارتباط با خدا یا دنیای خود پیش می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶). آنچه انسان از این نظام برای تدبیر امور زندگی مادی و معنوی خود می‌گیرد، «آموزه‌های دینی» نام دارد.

۲. ویژگی‌های مادر شایسته

خانواده، اولین محیط تعلیم و تربیت و رشد فضایل اخلاقی کودک است و سنگ بنای اخلاق در آنجا نهاده می‌شود که در آن، نقش مادر از دیگران پررنگ‌تر است. موفقیت‌های درخشان

مردان و زنان بزرگ جهان، مرهون پاکی ولادت آنها بوده است، چنانکه بخشی از بدبختی و شقاوت ناپاکان مربوط به دوران جنینی و مادران آنان است. همچنان که قرآن کریم سلامت و پاکی ولادت دو نفر از مردان بزرگ الهی، **یحیی بن زکریا** و **عیسی بن مریم** را یادآوری کرده است (رک: مریم: ۳۳). در طرف مقابل، می‌توان **حجاج بن یوسف ثقفی** را می‌توان نام برد که مادری شرابخوار و بدکاره داشته است (فلسفی، ۱۳۷۷/۱۰، ۱۵۲ و ۹۸).

کودک در سی ماه حمل و شیرخوارگی و پس از آن، بیشترین لحظات خود را با مادری می‌گذراند. از این رو، مادر بیشترین تأثیرگذاری را بر کودک دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۴)، تا جایی که می‌تواند با پاکی در شیر دادن خود، مشکلات وراثتی فرزند را مرتفع سازد و یا با شیر دادن ناپاک، باعث انحراف کودک شود (رک: مجلسی، بی‌تا، ۱۰۰/۳۲۳). به همین دلیل پیش از هر چیز، باید خود به فضایل اخلاقی آراسته و از ضد ارزش‌ها پاک باشد. از سوی دیگر، در تربیت قوی و نصیحت نیز باید خود، عامل باشد؛ زیرا ناهماهنگی گفتار و رفتار باعث مشکلاتی برای کودک می‌شود و در صورت تعارض، در بیشتر موارد به رفتار مادر گرایش پیدا می‌کند، نه نصیحت و موعظه‌های گفتاری او. بنابراین، آراستگی مادر به فضایل اخلاقی و صفات پسندیده، ضروری است. در این پژوهش تعدادی از ویژگی‌هایی که اثر ویژه در ایفای نقش مادری دارد، شمرده می‌شود.

۲-۱. ایمان و تقوی

ایمان و تقوی افزون بر اینکه در مقام زن و همسر بودن ضروری است، در ایفای نقش مادری ضرورت مضاعف دارد و از ویژگی‌های پایه‌ای مادر است (رک: مجلسی، بی‌تا، ۵/۲۸۵؛ ابن بابویه، ۱۳۸۶، ۲/۵۶۴). مادر باید ماه‌ها پیش از پذیرش مسئولیت مادری به خودسازی بپردازد و افکار، گفتار و رفتار خویش را از آنچه مورد نهی شرع مقدس است، پاک گرداند. مادر باید خود فردی سالم و صالح باشد تا بتواند افرادی پاک و شایسته پرورش دهد (رک: بقره: ۴۴) و به هر مقدار در او ناپاکی یافت شود، چندین برابر آن در تربیت و ایفای نقش مادری ناموفق خواهد بود و اگر منحرف باشد، کودک از دامن او، منحرف رشد خواهد کرد.

۲-۲. ایمان به نقش مادری

اولین و مهم‌ترین وظیفه زن، مادری و خانه‌سالاری است؛ زیرا تأثیر او در تربیت فرزند بسیار بیشتر از مرد است و خداوند، شریف‌ترین و قوی‌ترین انگیزه را که همان انگیزه مادری است،

در وجودش نهاده و او با عشق، رنج نُه ماه حمل و دو سال پرورش و شیردهی را به جان می خرد (نجاتی، ۱۳۸۷). پس مادر باید به نقش مادری و اهمیت والای آن ایمان داشته باشد تا بتواند به خوبی از عهده رسالت خطیر خود برآید. **امام محمد غزالی** می گوید:

بدان که کودک امانتی است در دست تو. دلش پاک چون گوهر و نقش پذیراست؛ اگر تخم خیر افکندی، سعادت دین و دنیا درو کنی و در آن سعادت شریک خواهی بود، اما اگر برخلاف آن شهود، بدبخت گردد و هر چه بر سرش آید، شریک خواهی بود. (عطاران، ۱۳۶۶)

تفاوت انسان ها در افکار، گفتار و رفتار سرچشمه در تفاوت آنها در طرح واره ها و خویش واره ها دارد. زنی که مادری، فرزندآوری و فرزندپروری، بخشی از طرح واره درونی او و «من کیستم» او شده باشد، در همان مسیر حرکت و عمل خواهد کرد، ولی اگر نقش و جایگاه مادری را درونی نکرده باشد، ممکن است آن را کاری حقیر و یا مانع پیشرفت بدانند (اتکینسون، ۱۳۸۵). و همکاران، ۱۳۸۵). مادر شایسته، به نقش خویش ایمان دارد و آن را حق، وظیفه و مایه افتخار می داند و از سوی دیگر می داند که باید پدر و مادرهای آینده را پرورش دهد و تلاش می کند تصویر زیبایی از پدری و مادری در ذهن فرزندانش حک نماید؛ زیرا این طرح واره ها در خانواده و از رفتار پدر و مادر شکل می گیرد.

۲-۳. سلامت جسمی و روانی

همان گونه که سلامت نیاز جسم است، روان انسان نیز نیازمند سلامتی است. در منطق وحی، از بیماری روانی به «مرض قلب» تعبیر شده و مستی گناه، مستی شراب، خودپسندی، همراهی و رفاقت با نادانان، گوش ندادن به نصایح خردمندان، بیهوده گویی، فقر و تنگدستی، بیکاری، پر خوری، افراط و تفریط در خوردن، لهو و لعب، عشق غیر الهی، هم نشینی با ثروتمندان، خلوت با زنان نامحرم و خنده زیاد از عوامل آن دانسته شده است. انسان برخوردار از سلامت روان، کسی است که جسم و روح او متعادل باشد و نیازهای هر کدام در حد مطلوب برطرف شده باشد. چنین فردی به سلامت و نیرومندی جسم و روان خود اهمیت می دهد؛ زیرا یکی از عوامل آرامش زندگی و بندگی خدا، برخورداری از جسم و جان سالم است (جوادی آملی، ۱۳۹۱). چنین کسی به خدا ایمان دارد و رفتارش تابع دستورات دینی است. بنابراین، در اسلام، سرکوب کردن خواسته ها و نیازهای جسمانی، رهبانیت و

ریاضت، مردود و فرد تابع هوای نفس نیز ناسالم و نابهنجار است (نجاتی، ۱۳۸۷). چنین فردی هرگز نخواهد توانست فرزندی سالم و صالح پرورش دهد.

۴-۲. اعتدال رفتاری

افزون بر سلامت روان، مادر باید دارای اعتدال رفتاری نیز باشد. اعتدال رفتاری به معنای پرهیز از زیاده‌روی و کمکاری است و اصطلاحی کلیدی در متون علمای اخلاق بوده و پایه تمام فضایل اخلاقی است.

عالم بر اساس اعتدال بنا نهاده شده (رک: الرحمن: ۸-۷) و نظام تشریح نیز با تکوین هم‌سو است. از این رو، اسلام رعایت اعتدال در تمام امور را مورد تأکید قرار داده است، از جمله: اعتدال در دین (رک: مائده: ۸۷؛ اعراف: ۳۲)، عبادات، انفاق (رک: فرقان: ۶۷؛ اسراء: ۲۹) خوف و رجا (رک: یوسف: ۸۷؛ اعراف: ۹۹)، غم و اندوه (رک: نهج البلاغه، حکمت ۳۲۵)، سخن گفتن (رک: لقمان: ۱۹)، لباس پوشیدن (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴) و سایر امور. خداوند متعال انسان را به گونه‌ای آفریده که افراط و تفریط، او را از مسیر رشد و کمال منحرف خواهد کرد. پس شرط کارآمدی هر نظام تربیتی، اعتدال در بیم و امید، تشویق و تنبیه، مهر و قهر، مراقبت و طرد و اقتدار است (وطن‌دوست، ۱۳۸۷). در محبت و خشم، نه باید افراط و تفریط کرد و نه تساوی، بلکه باید هر کدام به موقع و متناسب با عمل باشد. آدلر یکی از دلایل احساس حقارت را افراط و تفریط در محبت و ارضای تمام خواسته‌های کودک می‌داند (فلسفی، ۱۳۷۷/۲، ۱۹۹). تساوی نیز باعث سردرگمی کودک خواهد شد (شاملو، ۱۳۸۱). کودکی که بیش از حد مورد علاقه قرار گرفته، در زمینه اخلاقی کمتر رشد می‌کند؛ زیرا تفاوت اعمال و گفتار مناسب و نامناسب را تشخیص نمی‌دهند (رحیمی، ۱۳۷۹). طبق پژوهش‌های روانشناسان، پذیرش بیش از حد در کودکی با رفتار پرخاشگرانه و ضد اجتماعی در بزرگسالی، همبستگی مثبت دارد (سعادت‌مند، ۱۳۷۶).

۵-۲. مسئولیت‌پذیری

فرزندان، امانت الهی و نعمت و نشانه‌های خدایند و والدین درباره سلامت، رشد و تعلیم و تربیت آنان مسئول‌اند. آنان در برابر تربیت خوب فرزندان، پاداش و در برابر تربیت بد آنان، کیفر خواهند دید (جوادی آملی، ۱۳۹۱). پذیرش مسئولیت مادری در اسلام، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد و به مادران، در برابر تحمل رنج و مشقت‌های مادری، وعده‌های بسیاری داده

شده است؛ در ایام حاملگی و شیردهی، اجر روزه دار شب زنده دار خواهند داشت، هر قطره شیر او برابر یک حسنه و بخشودگی یک گناه است (رک: نوری الطبرسی، بی تا، ج ۱۴) مرگ در وقت زایمان مساوی با شهادت (رک: نوری الطبرسی، بی تا، ج ۱۵) و ولادت فرزند و تحمل درد زایمان باعث پاک شدن گناهان مادر خواهد شد (رک: نوری الطبرسی، بی تا، ج ۱۳). فمنیست ها کارکرد تولید مثل و نقش مادری را بخشی از سرکوبی زنان می دانند و می گویند باید از سر راه آنان برداشته شود (فریدمن، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰).

مادری که خود را در برابر فرزندانش مسئول می داند، هیچگاه در این مسیر دچار سستی نخواهد شد (وطن دوست، و ایروانی، ۱۳۸۷). طبق احادیث زن نیز در برابر همسر و فرزندان خویش مسئول است (مکارم شیرازی، و همکاران ۱۳۸۶/۲۴/۲۹۴) و تمام مسئولیت های دینی، قانونی، غریزی و اجتماعی در این مقام متوجه اوست؛ بدین معنا که خداوند افزون بر اینکه کشش و غریزه مادری را در وجود زن قرار داده، وظیفه شرعی را نیز برای او معین کرده است و او را مورد سؤال قرار خواهد داد. همچنین اجتماع و قانون از زن، مادری و تربیت فرزندان سالم و صالح را انتظار دارد و آنچه باعث تقویت حس مسئولیت پذیری می شود، ایمان، عواطف، خودباوری، شناخت، آگاهی و نگرش درست به دنیا و انسان است (وطن دوست، و ایروانی، ۱۳۸۷).

۲-۶. آمادگی برای مادر شدن

یکی از سخنان جامع امام علی بن ابی طالب علیه السلام این است: «کسی که بدون آشنایی با مسایل فقهی وارد تجارت شود، حتی به صورت ندانسته و نخواستہ گرفتار ربا خواهد شد» (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۷). این جمله، تمثیل است، نه تحدید و تعیین. بنابراین، اگر کسی خواست وارد نقش و حرف های شود، باید افزون بر احکام عمومی اسلام، با مسایل اخلاقی و فقهی آن حرفه و نقش نیز آشنا باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۷).

بدون شناخت و آمادگی نمی توان به تکامل و سعادت واقعی رسید و مسئولیتی را پذیرفت و بدون علم به آغاز کار، نمی توان آن را به پایان برد. بنابراین، از مقدمات ضروری شایستگی و کمال، آگاهی، شناخت و آمادگی است (دشتی، ۱۳۶۴). مراقبت و تربیت فرزند نیز که امری خطیر است، نیاز به آمادگی های جسمی، روحی روانی و آشنایی با اصول تربیتی دارد (نبیلی پور، ۱۳۸۰)، ولی آنچه امروزه بیشتر مورد توجه قرار می گیرد، آمادگی جسمی و اقتصادی است و آمادگی های

روحی، شناختی و ایمانی مورد غفلت است، در حالی که زن باید در زمینه باید و نبایدهای انعقاد نطفه، حاملگی، زایمان، نگهداری، پرورش و رفتار با فرزندان، آگاهی و آمادگی کسب کند؛ باید بداند حضور فرزند در کانون خانواده، پیش از آنکه حاصل اختیار و خواست او باشد، ثمره اراده و هدیه‌ای الهی است (وزیری، ۱۳۸۰).

اگر پدر و مادر، آمادگی بچه دار شدن را داشته باشند و شیوه‌های تربیتی، نیازها و روش صحیح برآوردن آنها را بدانند، می‌توانند فرزندان خود را تربیت کنند. بنابراین، مادری که در پی شایستگی است، باید مدت‌ها پیش از تولد فرزند، خود را برای مادر شدن آماده کند. پایین‌ترین مرتبه آمادگی را می‌توان سواد خواندن و نوشتن دانست و پس از آن، آشنایی با اصول تربیت، مراحل رشد، روانشناسی کودک و بالاتر از همه، خودسازی و ایمان قوی به اراده پروردگار. در تحقیقی که هاندید (۱۹۹۱) انجام داد، به گروهی از مادران آموزش خواندن داده شد و به گروه کنترل، آموزشی داده نشد. مشخص شد فرزندان مادرانی با حداقل آموزش، از لحاظ شناختی سالم‌تر و باهوش‌تر بودند (فریمن، ۱۹۳۵).

۲-۷. وظیفه‌شناسی و آگاهی از وظایف مادری

در قرآن مجید آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت وظیفه‌شناسی را بیان کرده است (رک: نجم: ۳۸). تشخیص وظیفه و تکلیف از مهم‌ترین اموری است که مؤمن باید آن را در نظر داشته باشد و سپس به انجام تکلیف مبادرت ورزد. عوامل بازدارنده از انجام مسئولیت نیز بسیارند و فقط کسانی می‌توانند برای عمل به تکلیف، از این موانع بگذرند که ایمانشان به خداوند متعال قوی باشد.

شناختن وظیفه، از مشکلات اساسی انسان در رسیدن به هدف است. بسیاری از بحران‌ها ناشی از عدم شناخت وظایف، راه‌های برقراری رابطه با فرزندان و روش‌های حل مسأله و ایفای نقش است (سالاری‌فر، ۱۳۸۴). در تعیین کیفیت روابط مادر و کودک، عوامل گوناگونی دخالت دارند، از جمله: شخصیت مادر، برداشت او از نقش مادرانه خود، سن مادر و میزان تحصیلات و اطلاعات او (رحیمی، ۱۳۷۹). مادری که علاوه بر شخصیت سالم، از وظیفه و نقش خود، برداشت کامل و مطلوبی دارد و از راهکارهای ایفای نقش خود، آگاه است، روابط مطلوب‌تری با فرزندانش خواهد داشت. از آنجا که کودکان، طبق فطرت توحیدی،

خداپرست و درستکار به دنیا می‌آیند، چنانچه در محیط خانواده رفتارهای مخالف آیین توحیدی وجود نداشته باشد، کودک موحد، صالح و متقی خواهد شد. پس جهل والدین به وظایفشان شخصی نیست، بلکه به سرنوشت دیگران نیز مربوط می‌شود و اگر باعث کوتاهی در ادای حقوق آنها شود، گرفتار عقوبت فرزندان خواهند شد (دستغیب، ۱۳۸۵/۱، ۱۳۴).

اصلی‌ترین وظیفه والدین آن است که زمینه‌ای فراهم کنند تا همه استعدادها و توانایی‌های بالقوه کودک بارور شود (افروز، ۱۳۸۹) و این، جز با شناخت وظایف ممکن نخواهد بود. والدینی که به شناخت وظایف خود بی‌علاقه باشند و یا در انجام وظایف رفتاری کوتاهی کنند، به پرورش صحیح فرزند موفق نخواهند شد (فلسفی، ۲۰۱۳۷۷/۷۵). **طنطاوی** در تفسیر آیه «علی الوارث مثل ذلک...» (بقره: ۲۳۳) گفته است برزن‌ها و دخترها لازم است قبل از ازدواج، مقدمات بهداشت، بچه‌داری و فرزندپروری را بیاموزند تا به فرزندانشان ضرر نرسانند و دولت مردم نیز باید آنها را در آموختن این علم کمک کنند (ازگانی بهبهانی، ۱۳۷۹).

۸-۲. آگاهی از اصول و فنون صحیح تربیت

آگاهی از شیوه‌های صحیح تربیتی، از نمودهای آمادگی برای مادر شدن است و فقط در این صورت است که مادر می‌تواند رفتار حکیمانه و عالمانه داشته باشد و از زحمات خود نتیجه بگیرد (بهشتی، ۲۰۱۳۷۲/۲، ۱۰۹). از سوی دیگر، کودک حق دارد از جامع‌ترین برنامه‌ها و مؤثرترین روش‌های تربیتی برخوردار باشد. پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «از حقوق فرزندان، برخوردار بودن از آموزش و تربیت صحیح است» (افروز، ۱۳۷۴/۱۰). از این رو، تربیت صحیح کودک فقط در پرتو ادای این حق و با برنامه‌ای علمی و عملی میسر است که والدین باید آن را فراگیرند و گام به گام کودک خود را همراهی نمایند. تکامل روحی و روانی طفل، اتفاقی نیست، بلکه از قواعد معینی تبعیت می‌کند و نباید درباره عقب‌افتادگی یکی از جلوه‌های روحی روانی او سهل‌انگاری کرد (فلسفی، ۲۰۱۳۷۷/۲، ۷۵). در غیر این صورت مشکلاتی چون توقع بیش از حد، بدگمانی، منفی‌اندیشی، مقایسه‌گری، بی‌توجهی به صحبت‌ها و درد دل‌های کودک به بهانه لوس نشدن او، سهیم نکردن او در مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با توجیه بچه بودن او و بی‌توجهی به عقاید، تمایلات و علایق او برای والدین پیش خواهد آمد (محمدی، ۱۳۷۹).

در روان‌شناسی نیز دانش‌افزایی مادران در مورد نقش خود مورد تأکید قرار گرفته است.

گزل می‌گوید: «والدین علاوه بر حساسیت باطنی نسبت به کودک، به برخی اطلاعات نظری درباره روندها و توالی‌های رشد هم نیاز دارند و آنها، به ویژه باید بدانند رشد بین دوره‌های ثبات و بی‌ثباتی در نوسان است» (کرین، ۱۳۹۰). همین نوسان‌ها در کنار تفاوت‌های فردی باعث رفتار و گفتار متفاوت می‌شوند و مادر باید این نوسان‌ها را بشناسد تا بتواند واکنش مناسب داشته باشد (شفیع‌آبادی، ۱۳۶۶). مادران برای تربیت بهتر و شکوفایی استعداد‌های فرزندان و توفیق در نقش خود، باید به سه اصل با اهمیت توجه و آگاهی داشته باشند:

- شناخت ویژگی‌های زیستی، شناختی و روانی فرزندان در مراحل مختلف رشد و تحول؛
- تأمین نیازهای زیستی، شناختی، روانی، عاطفی و اجتماعی متناسب با مراحل رشد؛
- اتخاذ مؤثرترین روش‌ها متناسب با رشد کودک، برای تأمین نیازها و شکوفایی استعدادها.

۲-۹. نظم و برنامه‌ریزی

نظم در تمام امور، زیربنای رسیدن به هدف و موفقیت است و کاربی نظم و برنامه به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. این مطلب تا جایی مورد تأکید اولیای دین است که بعد از تقوا به آن توصیه کرده‌اند (رک: نهج البلاغه، نامه: ۴۷). تربیت فرزند نیز رسالت بزرگی است که به یقین بدون نظم و برنامه‌ریزی سامان نخواهد گرفت؛ چراکه استواری زندگی به برنامه‌ریزی دقیق و صحیح است و ملاک آن، عاقبت‌اندیشی است. مادر شایسته منظم است، ولی زیاده‌روی نمی‌کند و می‌داند کودک به مقداری آزادی نیز نیاز دارد. گزل^۱ می‌گوید: «کودک برای زندگی کردن طبق ساعت دیواری خلق نشده است». پس مادر باید معتدل باشد و آزادی کودک و نیاز درونی او به نظم را هم‌زمان مورد توجه قرار دهد (کرین، ۱۳۹۰).

۲-۱۰. خوش اخلاقی

رعایت اخلاق، فقط کار شخصی مقدسی نیست که برای زندگی فردی و اخروی فایده داشته باشد. بلکه رعایت نکات اخلاقی، آثاری در زندگی مادی و معنوی خانواده و جامعه دارد که بدون آنها، زندگی انسان معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷) این

1. Arnold geselle (1880- 1961)

مطلب در روایات نیز مورد تصریح قرار گرفته است. حضرت علی علیه السلام فرموده است: «اگر امید به بهشت و ترسی از دوزخ نیز وجود نداشت، باز هم شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم؛ چراکه آنها راهنمای نجات و موفقیت هستند» (مستدرک الوسائل، بی تا، ۲۸۳/۳).

یکی از مهم ترین ویژگی های مادر، خوش اخلاقی است. به تصریح روایات، هر کاری والدین انجام دهند، فرزندان نیز انجام خواهند داد. کسی که به پدر و مادر و فرزندان نیکو کند، فرزندان نیز به او نیکو خواهند کرد. کسی که پدر و مادر را با اسم صدا نزند، جلوتر از آنها راه نرود و آنها را تکریم کند، فرزندان او نیز همین را خواهند آموخت (ر.ک: مجلسی، بی تا، ۴۵/۷۴).

۲-۱۱. صداقت

راستگویی از صفات پسندیده و هماهنگ با فطرت آدمی است، همان گونه که دروغگویی، انحراف از فطرت است. روایات نیز آن را سرچشمه همه فضیلت ها (ر.ک: مجلسی، بی تا، ۹/۶۸) و کلید همه خوبی ها معرفی کرده اند. کلید تمام بدی ها را نیز دروغ و دروغگویی معرفی کرده اند و آن را از گناهان کبیره می دانند (دستغیب، ۱۳۸۵، ۱/۲۸۹). بر اساس آموزه های اسلامی، راستگویی در تمام بخش ها و ایفای تمام نقش ها مؤثر است و به طور ویژه تأکید شده است که مربی و مادر باید در رفتار و گفتار خود صداقت داشته باشد. نخستین تأثیر این فضیلت، جلب اطمینان و اعتماد است. مادر اگر با فرزندان، همسر و اطرافیان خود صادق نباشد، نفوذ و ارزش خود را از دست می دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷) هر دروغی - جدی یا شوخی - فرزندان را به دروغگویی می کشاند؛ زیرا فطرت کودک راستگو است و والدین نباید او را دروغگو تربیت کنند.

ترس از تنبیه، سرزنش و ملامت زیاد نیز ممکن است کودکان را به دروغگویی سوق دهد که در روایات نیز این نکته گوشزد شده است. (فلسفی، ۱۳۷۷، ۲/۵۵-۳۹) مادر افزون بر اینکه در راستگویی نیز الگو است، باید با روش های صحیح تربیتی، ریشه های ترس و دروغگویی را بخشکاند و با روش های صحیح و عاقلانه، به شخصیت کودک احترام گذاشته، از تحقیر و اهانت به او بپرهیزد (ر.ک: نوری الطبرسی، بی تا، ۱۰۰/۲). به طور کلی باید گفت مادر از آن روی که مربی و الگوی کودک است و در این راه به ارزش، اعتبار و محبوبیت، نفوذ کلام و تأثیر عمل نیاز دارد، باید راستگو باشد (کدیور، ۱۳۷۹).

۱۲-۲. همراهی با کودک

در تعالیم و دستورات اسلامی به جدا نشدن مادر و کودک توجه ویژه‌ای شده است. برای مثال، حضانت که از وظایف پدر و مادر- به‌ویژه، مادر در مدت سی ماه- است، از ماده «حضان» به معنای زیر بغل، تهیگاه و آغوش به مفهوم در کنار بودن، در آغوش گرفتن، زیر پر و بال گرفتن و به طور کلی حضور فیزیکی و روانی با کیفیت است. به این دلیل پدر را «حاضن» و مادر را «حاضنه» می‌گویند که وظیفه نگهداری، در آغوش گرفتن و تربیت فرزندان را دارند. (ابن‌منظور، ۱۳۶۳، ۲۳/۱۳، ۱۲۲-۲۳) از این رو، در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران تا هفت سالگی کودک، مادر نسبت به این حق و وظیفه، اولویت دارد.

در روایات، تا آنجا بر دسترسی کودک به مادر تأکید شده که جدا کننده مادر و کودک مورد لعن و نفرین قرار گرفته (رک: مستدرک الوسائل، بی‌تا، ۳۷۵/۱۳) و به مادر اجازه داده شده در نماز نیز می‌تواند کودکش را در آغوش بگیرد و یا او را شیر دهد (رک: وسائل الشیعة، بی‌تا، ۲۸۰/۷). در بیان اهمیت نقش مادری همین بس که اسلام، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی را مجاز، ولی مشروط به ایفای مطلوب نقش مادری و همسری می‌داند. (امینی، ۱۳۸۳)

مادر افزون بر این ویژگی‌ها، باید در جایگاه نخستین و قوی‌ترین الگوی کودک، دارای صفات دیگری نیز باشد، از جمله رشد عقلی و روحی، گذشت، آرامش روانی، همدلی، دلسوزی و مهربانی، برخورد مؤدبانه، تبسم و گشاده‌رویی، آراستگی ظاهری، زیبایی و دلنشینی کلام. (ابراهیمی، ۱۳۹۰)

۱۳-۲. سلامت روان

گرچه سلامت، منحصر به مادر نیست، ولی هر زنی برای موفقیت در نقش مادری باید دارای تمام جنبه‌های سلامت جسمانی، اخلاقی و اجتماعی، به ویژه سلامت روانی^۱ باشد. سلامت روان مفهومی زیربنایی است، ولی هنوز تعریفی جامع و مورد قبول اکثریت از آن وجود ندارد و هر فرد و گروهی بر اساس برداشت خود، تعریفی آرایه کرده است. پس از بررسی این تعاریف گوناگون می‌توان گفت مادر شایسته‌ای که دارای سلامت روانی است، چنین ویژگی‌هایی دارد: سازگاری خوب با محیط و شرایط، احساس بهزیستی، قادر به شکوفایی

1. Mental Health

توان و استعداد‌های فردی، تعادل رفتاری و عاطفی، نداشتن بیماری (گنجی، ۱۳۷۶)، تمامیت، یکپارچگی و ثبات شخصیت، عملکرد رضایت‌بخش، تسلط بر هیجان، آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود، علاقه‌مند به دوستی عمیق و پایدار، احساس مسئولیت و توانایی تصمیم‌گیری. (حسینی، ۱۳۷۱)

برای ایفای نقش مادری، ضرورت داشتن سلامت روان بدیهی است و تا مادر، از سلامت روان برخوردار نباشد، نخواهد توانست بهداشت روانی خانواده را تأمین و فرزندانی سالم تربیت نماید. مادر معتدل و برخوردار از سلامت روان، به احتمال بیشتری فرزندانی معتدل و سالم پرورش می‌دهد. (کرین، ۱۳۹۰) بر اساس پژوهش‌ها، والدینی که به انواع آسیب‌های روانی مبتلا باشند، فرزندانی دارند که بیشتر در معرض خطر مشکلات رشدی قرار دارند.

۱۴-۲. ثبات هیجانی و شخصیتی

از ویژگی‌های مهم و ضروری برای ایفای مطلوب نقش مادری، ثبات هیجانی و شخصیتی است. مادر بدون این ویژگی نمی‌تواند هیجان‌های خود را مدیریت نماید و پیوسته در حال تغییر است. این حالت، کودک را در زمینه‌هایی چون الگوگیری، خودپنداره و شخصیت‌یابی سردرگم می‌کند؛ زیرا مادر گاه به شدت او را دوست دارد و گاه طردکننده و سرد است. چنین مادرانی با فرزند خود برخوردی دوگانه دارند؛ گاهی در دسترس، گرم، صمیمی و پاسخ‌دهنده، وقتی دیگر رفتاری مغایر دارند. به بیان مری اینزورث و همکارانش، این برخورد، کودک را دچار نالیمنی دوسوگرا می‌کند. (کرین، ۱۳۹۰) سوء استفاده، غفلت از کودک و فرزندپروری ناکارآمد، از عوارض زندگی با والدینی است که از اختلال روانی و عدم ثبات شخصیت رنج می‌برند (باچر، ۱۳۸۸/۱/۱۶۰).

بعضی از والدین میان بی‌ثباتی و ثبات، محروم‌کننده و ارضاکننده، محافظت‌کننده و بی‌تفاوت، علاقه‌مند و بی‌علاقه، بامحبت و خشن، متغیر رفتار می‌کنند و از آنجا که کودک با اولیای خود همانندسازی و ارزش‌های آنان را درون‌فکنی می‌کند (شاملو، ۱۳۸۱)، دچار سردرگمی و بی‌ثباتی هویت و خودپنداره می‌شود. بی‌ثباتی و آشفتگی رفتار و روابط والدین، از عوامل مهم اختلال سلوک در کودکان است. (باچر، ۱۳۸۸/۲/۴۹۳).

۱۵-۲. در دسترس بودن

دلبستگی ایمن، پایه سلامت روان و شایستگی فردست و رفتار مادر، مهم‌ترین عامل در تکوین آن است. (اتکینسون، و همکاران، ۱۳۸۵) یکی از رفتارهایی که باعث دلبستگی ایمن می‌شود، در دسترس بودن مادر همراه با پاسخده بودن او است. (کرین، ۱۳۹۰) پرورش معمولی کودک بدون حضور کمی و کیفی مطلوب، نیز ممکن است از نظر میزان کسب دلبستگی سالم متفاوت باشد (باچر، ۱۳۸۸).

والدین به شیوه‌های مختلف از فرزند خود غفلت می‌کنند؛ غفلت و بی‌توجهی جسمانی، دریغ کردن محبت، بی‌علاقگی به فعالیت‌های کودک، وقت نگذاشتن برای کودک یا نظارت نکردن بر فعالیت‌های او. چنین مادران بی‌توجه، غایب و طردکننده، کودکانی پرورش می‌دهند که مردم آنها را مستقل و سالم می‌دانند، ولی اینزورث با مشاهده رفتارهای اجتنابی آنها متوجه شد احتمالاً از مشکلات هیجانی و عاطفی رنج می‌برند و در بزرگسالی نیز بیش از حد و به صورت مرضی، متکی به خود خواهند بود، رشد اجتماعی آنان مختل و عبور از دوره‌های بحران برایشان مشکل است. اینزورث چندی افرادی را «شخصیت‌های بی‌عاطفه» نامیده است. (باچر، ۱۳۸۸)

دوری از والدین به‌ویژه مادر در ابتدای کودکی، به صورت ترس از تنهایی، تاریکی و انواع دیگر ترس بروز خواهد کرد. (محمدزاده، ۱۳۸۴) از این رو، روان‌شناسان جدایی کودک از والدین را صحیح و دارای توجیه علمی نمی‌دانند و بر حضور با احساس، گرم و صمیمی تأکید دارند. مادرانی که حضوری با احساس و پاسخ‌ده دارند، اگرچه گاهی از نظر فیزیکی غایب‌اند، کودکانی پرورش می‌دهند که در نوجوانی و پس از آن، نسبت به همسالان خود در رهبری، رفتار دوستانه، ثبات قدم و خوداتکایی بهترند و در تکالیف شناختی، نمره بالاتری می‌گیرند و بین استقلال و نیاز به دیگران تعادل برقرار می‌کنند. (کرین، ۱۳۹۰)

نمی‌توان گفت مراقب و مراقبت‌های روزانه جای خالی مادر را برای کودک پر می‌کنند و نبود او را جبران نمایند. پژوهش‌های گذشته، مراقبت‌های غیرمادرانه را باعث ایجاد دلبستگی ناایمن و منشاء بروز مشکلاتی می‌دانست، ولی پژوهش‌های امروزی، به دلیل

ضرورت مراقبت‌های روزانه - اشتغال مادران و دلایلی اینچنین - بیشتر به سمت مقایسه مراقبت‌های غیرمادرانه با کیفیت و بی‌کیفیت رفته که باید گفت مراقبت‌های روزانه با کیفیت نیز قابل مقایسه با مراقبت‌های گرم و پاسخ‌ده مادرانه نیست و چنین مراقبت‌هایی با کیفیت بالا نیز اثرات منفی عاطفی و هیجانی دارند. (اتکینسون، و همکاران، ۱۳۸۵) در پژوهش بر روی نوزادان پنج‌ماهه مشخص شد رشد نوزادانی که مادرانشان از آنها مراقبت می‌کنند و به علایم آنها مانند تولید آواها یا انواع گریه‌ها پاسخ می‌دهند، بیش از سایر نوزادان است. (ایلین ۱۳۷۳). در هر صورت **بالمی و رابرتسون** با تحقیقات گسترده، بر خطرات جدی دوری از والدین هشدار دادند (باچر، ۱۳۸۸/۱۵۳).

۱۶-۲. گرم، پذیرا و پاسخ‌گو بودن

گرمی مادر به میزان پاسخ‌گویی او به نیازهای کودک، مسئولیت‌پذیری در برابر فرزند و نثار محبت به او اشاره دارد. (حبیب‌زاده، ۱۳۷۷) پاسخ‌گویی نیز بدان معنا است که مادر به موقع به نیازهای کودک - نه نیازها، علایق و خواسته‌های خویش - پاسخ دهد و برآوردن آنها را طبق نظر و موقعیت خود به تأخیر نیندازد. افرادی مانند گزل نیز که آزادی دادن به کودک را مردود می‌دانند، توصیه می‌کند والدین با وجود نظارت بر کودک، باید نیازهای او را به موقع برآورده سازند. مادری که گرم و پاسخ‌گو است، اغلب لبخند می‌زند، پاداش می‌دهد، تشویق می‌کند، عاطفه و محبت زیادی دارد، ولی در محبت کردن میانه‌رو است. زمانی که کودک رفتار بدی انجام می‌دهد روش برخورد با او را می‌داند و واکنش مناسبی نشان می‌دهد که این، همان گرمی همراه با اقتدار است. در مقابل، مادرانی قرار دارند که متخاصم و سردند؛ بیشتر اوقات انتقاد می‌کنند، تنبیه‌گرند، یا کودک را فراموش می‌کنند و یا بر او کنترل زیادی دارند، نظرات خود را بر او تحمیل کرده، آزادی‌اش را سلب می‌نمایند که نوع اول سرد و کنترل‌نکننده و دسته دوم سرد و کنترل‌کننده می‌باشند.

گروهی دیگر از مادران به کودک خود عشق می‌ورزند، ولی در محبت افراط می‌کنند. این مادران، فرزند را طبق خواست خویش منظم می‌کنند که گرم و کنترل‌کننده نامیده می‌شوند. رفتار، شیوه تربیتی و ویژگی مادرانی مورد تأیید بیستر روانشناسان است که گرم، پذیرا، پاسخ‌گو، آزادی‌دهنده و کودک محورند و فرزندان خود را همان‌گونه که هستند، می‌پذیرند.

(حبیب‌زاده، ۱۳۷۷)؛ زیرا یکی از شرایط گرمی مادر، پذیرش مثبت بی‌قید است. به این دلیل که پذیرش مقید و همراه با «اگر» در وجود کودک، فشار روانی و اضطراب ایجاد می‌کند و سلامت روانی وی را به خطر می‌اندازد. کودک باید از مقداری آزادی مطلوب برخوردار باشد. کنترل شدید باعث اضطراب و بیماری وی می‌شود.

در گرمی و پاسخ‌گویی دو اصل مهم وجود دارد؛ اعتدال و ثبات. بسیاری از والدین یا مهربان‌اند، یا قاطع و محدودند کسانی که هم‌زمان قاطع و مهربان باشند. پیگیری کارها و مسئولیت‌های واگذارشده، دیدن نکات و کارهای منفی و تلاش برای برطرف کردن آنها، نشانه قاطعیت است. مادر باید نیازهای طبیعی و منطقی کودک را برآورده سازد، ولی خواسته‌ای غیر منطقی او را رد کند. (محمدزاده، ۱۳۸۴) از سوی دیگر، والدینی که در محبت و گرمی نسبت به فرزند خود ثبات ندارند، کودک آنان دچار ترس، کمبود محبت و از دست دادن پایگاه محبت شده، گرفتار افسردگی و بیماری‌های روحی خواهد شد.

بابی معتقد است که هم والدین و هم متخصصان، همواره این پرسش اساسی را مطرح می‌کنند که آیا مادر باید خواسته‌های کودک خود را که عبارت است از «حضور» و «توجه»، همواره برآورده سازد؟ این نگرانی وجود دارد که توجه و گرمی زیاد، به لوس شدن کودک منجر شود. او و این‌زورث پاسخ می‌دهند: گرم و پاسخ‌گو بودن به نیاز کودک، عاقلانه‌ترین کار است. والدینی که با حساسیت، بیدرنگ و با گرمی به علایم نوزاد و کودک پاسخ می‌دهند، کودکانی تربیت می‌کنند که در طول یک‌سالگی به بعد دلبسته‌ایمن خواهند شد؛ چراکه پاسخ‌گو و در دسترس بودن مادر، به دلبستگی ایمن در کودک منجر می‌شود. این دلبستگی پایه سلامت روان و تمام موفقیت‌ها و شایستگی‌های فرد است و به طور کلی رفتار مادر، مهم‌ترین عامل تکوین آن است. (اتکینسون... و همکاران، ۱۳۸۵)

آنها معتقدند ممکن است کودکانی که لوس و بیش از حد وابسته می‌شوند، والدینی گرم، حساس و پاسخ‌گو نداشته‌اند. پدر و مادر این کودکان ممکن است در نزدیک بودن و محبت به کودک خود اصرار داشته باشند، ولی ابتکار عمل را خود به دست گرفته، به نیاز کودک توجهی نکرده‌اند. برای نمونه، طبق برنامه خود او را به حمام برده‌اند، خوابانده‌اند، بیدار کرده، غذا داده‌اند. (کرین، ۱۳۹۰) مادران گرم و پاسخ‌دهنده، به گریه کودک به زودی واکنش

نشان می‌دهند و نسبت به احساسات او بی تفاوت نمی‌مانند، به گرمی او را بغل می‌کنند، پاسخ را با نیاز کودک وفق می‌دهند؛ یعنی طبق علایم کودک عمل می‌کنند. به بیان دیگر، کودک محورند نه خودمحور.

بل و اینزورث^۱ (۱۹۷۲) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند کودکی که بلافاصله در مقابل گریه، از والدین خود پاسخ گرفته در مقایسه با آنان که مادران پاسخ‌دهنده نداشته‌اند، در یک سالگی کمتر گریه می‌کنند، استقلال بیشتری دارند و در نبود مادر، کمتری فرارند. بالبی و همکارانش نیز داشتن والدین گرم، پاسخ‌ده و قابل اعتماد را پایه اصلی سلامت روان در نوجوانی، جوانی و بزرگسالی دانسته، وجود این پایگاه ایمن را تا سنین بزرگسالی برای همگان ضروری می‌دانند. (کرین، ۱۳۹۰)

به طور کلی می‌توان رهاورد های گرم و پاسخ‌ده بودن را چنین بیان کرد: شکل‌گیری دلبستگی ایمن، بهانه‌گیری و گریه کمتر و استقلال بیشتر از حدود یک سالگی به بعد، افزایش هوش بهر، افزایش انگیزه پیشرفت در سنین بالاتر، افزایش رشد شناختی و اثرات مثبت بر ویژگی‌های هیجانی و اجتماعی کودک و عامل اصلی سلامت روانی کودک. (حبیب‌زاده، ۱۳۷۷)

۱۷-۲. توجه به تفاوت‌های فردی

فردیت، بی‌همتایی و تفاوت‌های فردی در اسلام (ر.ک: بقره: ۲۸۶؛ انعام: ۱۶۵؛ زخرف: ۳۲؛ اسراء: ۲۱) و در بین روانشناسان مورد اتفاق است؛ (نجاتی، ۱۳۸۷) بدین معنا که هر فرد همان‌گونه که در ویژگی‌های جسمانی با دیگران متفاوت است، در تمام حالت‌ها، تمایلات، احساسات، هیجان‌ها، افکار و رفتار نیز با دیگران متفاوت است. این فردیت و بی‌همتایی در کودکان و نوزادان نیز وجود دارد. آنان نه فقط از لحاظ استعداد و ویژگی‌های فردی با دیگران متفاوت‌اند، در قابلیت، توانمندی و ویژگی‌های درونی نیز متنوع‌اند. این نکته را مادر باید بداند که هر کودک، با روشی متناسب با ویژگی‌های شخصیتی خودش برانگیخته می‌شود و رفتار معینی را انجام می‌دهد و نباید انتظار داشت که دو کودک در برابر محرک واحد نیز، پاسخ یکسانی داشته باشند. از این رو، توجه والدین به تفاوت‌های فردی کودکان بسیار ضروری است. (افروز، ۱۳۸۹) و مقایسه فرزندان با هم و با دیگر هم‌سالان در زمینه‌های متفاوت

و توجه نکردن به تفاوت‌های فردی آنان، ثمری جز دامن زدن به رقابت‌های ناسالم و ایجاد زمینه مشکلات عاطفی و روانی در پی نخواهد داشت (شفیع‌آبادی، ۱۳۶۶).

تحقیقات نشان داده اگر مادران بکوشند در زمان تولد فرزند جدید، نیازهای هر کدام را متناسب با سن و در بهترین زمان برآورده کرده، توان و محبت خود را نثار یکی ننمایند، رقابت منفی، حسادت و اختلاف بین فرزندان به وجود نخواهد آمد. (ایلین ۱۳۷۳، ۱۴۴/۲) رعایت نکردن عدالت، باعث احساس حقارت و حسادت در یکی و خودبینی، خودمحوری و وابسته شدن دیگری خواهد شد (محمدزاده، ۱۳۸۴، ۱۱۹/۲-۱۲۱). از این رو، والدینی که به سعادت و سلامت فرزندان خود می‌اندیشند باید هم‌زمان با توجه به تفاوت‌های فردی، بین آنان تبعیض روا ندارند؛ زیرا باعث بیماری روانی و ضعیف‌النفس شدن فرزندان می‌شود. توجه به این نکته نیز ضروری است که در روایات، نیکی کردن به دختران، تقدم در دریافت هدیه و مقداری توجه بیشتر به آنان مجاز دانسته شده است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱).

۱۸-۲. پذیرش مثبت بقیه

یکی از مهم‌ترین مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر با فرزندان، پذیرش مثبت غیرمشروط^۱ فرزندان است؛ بدین معنا که والدین، خود کودک را آن‌گونه که هست، بپذیرند، هرچند ممکن است رفتار او مورد پذیرش آنان نباشد و در پی اصلاح آن باشند. باید فرزند را شخصی مستقل دانست و به او احترام گذاشت و به او که انسانی با توانایی‌ها و رغبت‌های ویژه‌ای است، ارج و ارزش داد. نباید کوشش خود را فقط به این دلیل که انسانی کوچک‌تر و ناآگاه‌تر است، پی‌ریزی نمود. پدر و مادر باید حق او را برای «فرزند بودن» بشناسند و توان خویش را برای جهت دادن رفتار او در مسیر سازگاری مطلوب و پیشرفت و موفقیت به کار گیرند. آنان باید درک کنند که رفتار برای فرد صاحب رفتار - کودک یا نوجوان - چه معنا و مفهومی دارد. در گسترش روابط مطلوب، به او اجازه دهند تا نظر و تصمیم خویش را هرگاه و در هر زمانی که ممکن باشد، ابراز کند. اجرای این امر مستلزم آن است که به کودک، حق اشتباه کردن نیز بدهند و جز در مواردی که این اشتباه برای خود او یا دیگران خطرناک است، به او اجازه دهند نتایج حاصل از اعمال خویش را تحمل و تجربه کند.

1. Unconditional Positive Pegard

والدین باید نخست شنونده خوبی باشند تا بتوانند در زمینه تعبیر و تفسیر اطلاعات و ارایه کمک و راهنمایی و تأثیرگذاری مطلوب اقدام نمایند. فرزندان نیاز دارند که با تمام وجود، عشق و علاقه والدین و پذیرش غیر مشروط آنان را احساس کنند، هرچند که اعمال و رفتارشان گاه مورد تأیید آنان نباشد. به بیان دیگر، باید مفهوم «من را دوست دارند، ولی از کارم خوششان نمی آید» را با تفکیک معنی در مورد والدین احساس کنند.

پذیرش مثبت غیر مشروط موجب می شود تا رابطه انسانی غنی تر و مؤثرتری به وجود آید. پذیرش مثبت غیر مشروط یا توجه بدون قید و شرط بدین معناست که والدین ارج و حرمت مطلق و کلی برای فرزند قایل باشند نه مشروط؛ یعنی کودک را آن گونه که هست بپذیرند، نه آن گونه که خودشان می خواهند. پژوهش ها نشان داده توجه بدون قید و شرط، تغییرات سازنده و رشد و تکامل را در کودک و نوجوان تسهیل می کند. (نوابی نژاد، ۱۳۷۵)

به طور کلی مادر شایسته ای که به تفاوت های فردی توجه دارد، فرزندان را همان گونه که هستند، می پذیرد و با هر کدام متناسب با روحیه و شخصیتش رفتار می کند، آزادی آنان را سلب نمی کند و می داند کودک باید از مقداری آزادی مطلوب برخوردار باشد، (کرین، ۱۳۹۶) برای رشد و شکوفایی استعداد های ویژه هر کودک تلاش ویژه ای می کند، از کودکان انتظار یکسان و خارج از توان ندارد، تفاوت در هوش عمومی، هیجانی و استعداد آنان را می پذیرد و از آنها استفاده بهینه می کند، فرزندان را به خاطر رفتار های خارج از توان و هم شکل نشدن با دیگران ملامت نمی کند و می داند که این برخورد سبب ایجاد احساس بی کفایتی و حقارت می شود، (محمدی، ۱۳۷۹) ملایم و منطقی برخورد می کند، نظرات و انتظارات خود را بر آنها تحمیل نمی کند، به آنها اجازه فعالیت مورد علاقه و سالم می دهد، به عواطف، احساسات و هیجان های ویژه آنان توجه دارد و احترام می گذارد و در محبت افراط و تفریط نمی کند. چنین مادری، کودکانی با اعتماد به نفس پرورش می دهد که خود، زمینه ساز بسیاری از پیشرفت ها و سلامت روان خواهد شد (محمدزاده، ۱۳۸۴).

۱۹-۲. نگاه مثبت

مادر شایسته بر پایه سلامت روانی و شخصیتی خویش مثبت اندیش است و در کنار تلاش برای برطرف کردن کمبود های فرزندان، پیشرفت ها، توانایی ها و نقاط مثبت او را می بیند

و تقویت می‌کند. والدینی که به نقاط مثبت و قوت فرزندان توجه می‌کنند و آنان را به جا تأیید و تکریم می‌کنند، روحیه اعتماد به نفس و عزت نفس را در آنها ایجاد می‌کنند. مادری که نیمه پر لیوان را می‌بیند، در تمام کارهای کودک، به فرزندش بازخورد مثبت می‌دهد که این امر، باعث تقویت اعتماد به نفس و خودپنداره مثبت او خواهد شد. گاهی پدر و مادر با عجله و منفی‌نگری بر نقایص کودک تکیه می‌کنند و پیشرفت‌های او را نمی‌بینند. در حالی که به طور معمول، نقایص کودک در مقایسه با استعداد و پیشرفت‌های او بسیار بی‌اهمیت است. متخصصان، هماهنگی رفتار و گفتار، پذیرش مثبت بی‌قید و توجه به انسانیت و توانایی‌ها را سه عامل تسهیل‌کننده رشد همه‌جانبه کودک می‌دانند. پرورش فرد برای آینده، همسرپروری، پدر و مادرپروری و به طور کلی تربیت انسان، از اهداف ازدواج و وظایف مادری است که برای انجام هرچه بهتر این تکلیف و دستیابی به این اهداف، برخورداری از نگرش مثبت و سازنده با انگیزه قوی برای مادران ضروری است. (محمدزاده، ۱۳۸۴)

۲-۲۰. اقتدار

یکی از معروف‌ترین پژوهش‌های سبک‌های فرزندپروری و شیوه‌های تربیت، مطالعات دیانا بامریند^۱ (۱۹۷۵) است که در نتایج خود به چهار سبک و شیوه تربیت دست یافت: **مستبدانه**؛^۲ در این سبک، صمیمیت پایین و کنترل بالا است، والدین قوانین زیادی وضع می‌کنند، تنبیه‌کننده، سرد و سخت‌گیرند.

سهلگیرانه؛^۳ الگویی گرم، اما سست است. والدین کمتر دستور می‌دهند، به کودک آزادی زیادی می‌دهند، صمیمیت بالا است، ولی بر رفتارهای کودک هیچ نظارتی وجود ندارد. **مقتدرانه**؛^۴ سبک انعطاف‌پذیری است که والدین از نظر صمیمیت بالا و از نظر نظارت متوسط و خوب‌اند. کودک در عین حفظ استقلال، آزادی، شخصیت و احترامش نیز مورد توجه و مراقبت است. در این شیوه، والدین به احساسات کودک حساس‌اند و حس علاقه پایدار را به کودک منتقل می‌کنند که باعث می‌شود او با راهنمایی والدین پیش برود، نظرو انتظارش را دقیق بیان می‌کند. پدر و مادر نیز به کودک آزادی عمل می‌دهند، ولی بر رفتار او

- 1 . Beumrind
- 2 . Authoritarian
- 3 . Premissive
- 4 . Outhoritative

نظارت دارند. این نظارت، استبدادی و سلب‌کننده اختیار و قدرت عمل نیست. اقتدار نیز معنای نظم شدید پادگانی نمی‌دهد. انضباط شدید یا همان روش استبدادی، فقط کودک را می‌ترساند و باعث توقف رشد و پیشرفت او می‌شود و در وی احساس حقارت به وجود می‌آورد (حبیب‌زاده، ۱۳۷۷/۱۶۰-۱۵۷).

یکی از عواملی که بر رفتار و کیفیت روابط مادر و کودک اثرگذار است، آرمان‌ها و انتظارات مادر است. بعضی از مادران پیش از تولد کودک نیز برای تمام زندگی او برنامه‌ریزی کرده‌اند و با خودخواهی و جاه‌طلبی و بدون توجه به توانایی‌ها، علایق و نیازهای کودک، مسیر زندگی او را تعیین می‌کنند. (رحیمی، ۱۳۷۹)

مادر شایسته مقتدر، قوانین را به روشنی ابلاغ و با جدیت، اجرا و پیگیری می‌کند و در وضع قوانین و رفتارهای خود، خواست و توانایی کودک را در نظر می‌گیرد، توقعات خود را با سن و رشد او تنظیم می‌کند، هرگز تسلیم قهر، گریه و بهانه‌گیری کودک نمی‌شود، با لجاجت و نافرمانی او برخورد مناسب می‌کند، ولی تنبیه بدنی و بی‌توجهی عمیق و طولانی نمی‌کند، رفتارهای بد را با نارضایتی پاسخ می‌دهد و گاهی نیز تغافل می‌کند، (فلسفی، ۱۳۷۷/۴۰۳) تلاش‌ها و نقاط مثبت فرزندش را می‌بیند و تقویت می‌کند، در مشکلات و ناکامی‌ها در کنار اوست و در یافتن راه حل مشکلات او را یاری می‌کند.

به نظر بامریند (۱۹۶۷) انتظار می‌رود فرزندان این مادران اینگونه باشند: پرتوان، خونگرم، متکی به نفس، خویشت‌ندار، دارای سطح بالای نیروی بدنی، بشاش، دارای روابط سالم و دوستانه با هم‌سالان، مدیریت و مقابله خوب با فشار روانی، علاقه‌مند و کنجکاو نسبت به موقعیت‌های جدید، دارای حس تعاون، قانع‌شونده، هدف‌نگر، علاقه‌مند به پیشرفت و در نهایت سلامت و رشد بیشتری یافته‌اند. نتایج تحقیقات کوردک، فاین، شاخرو مک دونالد نیز این یافته‌ها را تأیید کرده است. (ایلین ۱۳۷۳) **لورنس استین برگ** (۱۹۸۹)، **ماتنس** (۱۹۸۹)، **هافمن** (۱۹۹۴) و **شاخرو** (۱۹۹۶) در تحقیقات خود به این نتیجه نیز رسیده‌اند که فرزندان والدین مقتدر، از هوش بهر و موفقیت تحصیلی بیشتری برخوردارند. به نظر می‌رسد این کودکان در مهارت‌های اجتماعی شایسته‌تر و دارای عزت نفس بالاتری باشند و در مدرسه از دیگر کودکان بهترند (حبیب‌زاده، ۱۳۷۷). به طور کلی می‌توان گفت اگر فرزندان از نعمت مادری پرعاطفه، با محبت و

در عین حال منطقی، استوار، پرصلابت و مقتدر بهره‌مند باشند، بیشترین سلامت، آرامش روان و بهترین اعتماد به نفس را خواهند داشت (افروز، ۱۳۸۹).

۲۱-۲. صبر و خویشتن‌داری

حفظ آرامش در خانواده وظیفه والدین و از ویژگی‌های مادر شایسته است. ناآرامی و کشمکش در خانه، بهداشت روانی کودک را به خطر می‌اندازد و او را گرفتار مشکلاتی چون اضطراب و ترس می‌کند. (محمدزاده، ۱۳۸۴) یکی از مقدمات و زیربنای آرامش و آرامشگری، صبر و خویشتن‌داری است؛ صبر در برابر مشکلات، سختی‌های زندگی و دشواری‌های تربیت و اذیت‌های فرزندان و نیز صبر در برابر خواسته‌ای نفسانی خویش. به عقیده جان لاک اساس تمام فضیلت‌ها و شایستگی‌ها در چشم پوشی کردن از ارضای تمایلات نهفته است که مخالف عقل است و عقل، اجازه ارضای آنها را نمی‌دهد (کرین، ۱۳۹۰).

زن و شوهر از زمانی که صاحب فرزند می‌شوند، برای مصالح خانواده و فرزندان، از خود عبور می‌کنند و در مسیر زندگی و تربیت فرزند، از بسیاری خواسته‌های شخصی چشم‌پوشی می‌کنند و مصلحت خانواده و فرزندان را در نظر می‌گیرند. (غروی‌ان، ۱۳۸۳) صبر و تحمل شیطنت‌ها و کنجکاوای‌های کودک، افزون بر اینکه مایه آرامش خانه و خانواده خواهد شد، با روش الگوگیری، صبر و تحمل را آموزش می‌دهد و کودک را برای تحمل سختی، شکست و ناکامی و ایفای نقش والدینی در آینده آماده می‌سازد. از سوی دیگر، کنجکاوای که گاهی به صورت شیطنت، اذیت و جنب‌وجوش فراوان بروز می‌کنند، از نیازهای کودکان است و در صورت هدایت و مدیریت صحیح، باعث گسترش قابلیت‌های شخصی و کشف استعداد‌های وی خواهد شد. رسو می‌گوید «فقط از کودک شیطان امروز می‌توان انسان کارآمد فردا را ساخت. بنابراین باید در رفتار خود با کودکان و انتظارات از آنان تجدید نظر کرد و به آنان به چشم یک بزرگسال ننگریست» (عطاران، ۱۳۶۶).

برای صبور بودن، آگاهی از شیوه‌های تربیتی و پیامد اشتباه‌های مادرانه ضروری است. مادر باید بداند دوری از والدین، برآورده نشدن نیازها به‌ویژه توجه و محبت، افراط در محبت و توجه، تحقیر شدن، بداخلاقی والدین و اطرافیان، غفلت از وظایف والدینی، خشونت در تربیت، محیط ناسالم و بی‌نظمی در خوردن، خوابیدن و تفریح از مهم‌ترین دلایل بداخلاقی

کودکان است و کمبود محبت، سختگیری زیاد، برخوردار نشدن از توجه و نوازش و نیز تنبیه باعث گوشه‌گیری و درون‌گرایی افراطی کودک می‌شود. او باید آگاه شود که هر کودکی با فطرتی پاک متولد می‌شود و هرچه ناسازگاری، رفتار و گفتار نابهنجار دارد - به جز مقداری که مقتضای سن او است - حاصل رفتار والدین است. برای نمونه، دروغ‌گویی ذاتی نیست و والدین، کودک را با این مقوله آشنا می‌کنند. (قائمی، ۱۳۶۸) چنین مادری با فرزند خود برخوردی منطقی، صبورانه و همراه با خویشتن‌داری خواهد داشت.

یکی دیگر از شرایط صبور بودن، آگاهی از روند رشد و مقتضیات آن است. گزل در این مورد گفته است: «اطلاعات نظری والدین درباره دوره‌ها و اینکه رشد بین ثبات و بی‌ثباتی در نوسان است، درک، صبر و بردباری آنان را تقویت می‌کند». **مونته‌سوری** نیز می‌گوید:

من عجله ندارم که کودکان، مراحل و مقاطع تحصیلی و رشدی را سریع طی کنند و این دغدغه من نیست. بلکه به این فکرم که کودکان با اراده و تلاش خود که نشانگر تکامل درونی آنها است، از مراحل وابستگی عبور کرده، به مراحل بالاتر رشد برسند، اما گاهی آنقدر بهانه‌گیر می‌شویم که پیشرفت‌های کودک را نمی‌بینیم. مادر بد، مادری عجول و بهانه‌گیر است؛ چرا که قبل از فرارسیدن سن مطلوب، کودک را به بعضی مهارت‌ها وامی‌دارد. (ویلیام، ۱۳۹۰)

به طور کلی، مادر شایسته بر پایه اطلاعات خویش از مراحل رشد و مقتضیات هر مرحله، قبول نقش خویش در بداخلاق شدن کودک و آگاهی از نکاتی همچون اهمیت و اصول تربیت، با کودک خود صبورانه برخورد خواهد کرد و برای تأمین آرامش وی در برابر مشکلات زندگی و خواست‌های نفسانی خود نیز صبور خواهد بود. در پایان این بخش، به جمله‌ای از اینزورث و بالبی اشاره می‌شود: «کودک فقط آموزش، کنترل، محبت افراطی و رسیدگی جسمی از مادر نمی‌خواهد. بلکه او خواهان حضور صبورانه مادر است. مادر باید صبور، خویشتن‌دار، در دسترس و پاسخ‌ده باشد». (ویلیام، ۱۳۹۰)

پس آگاهی و علم، مقدمه صبر و خویشتن‌داری است و صبور بودن، شرط پاسخ‌ده و در دسترس بودن است. اگر مادر صبور نباشد، نمی‌تواند پاسخ‌ده و در دسترس باشد.

۲۲-۲. آشنایی با مراحل رشد و مقتضیات هر مرحله

الگوی رشد هر فرد در سنین مختلف، متفاوت است، ولی بیشتر افراد بهنجار، مراحل رشد

طبیعی را در مدتی کمابیش مشابه پشت سر می‌گذارند. از این رو تمامی افرادی که با نوزادان، کودکان و نوجوانان سروکار دارند، نیاز غیرقابل انکاری به داشتن اطلاعات کافی درباره چگونگی مراحل و ویژگی‌های هر یک از مراحل رشد دارند. چنین اطلاعاتی کمک می‌کند از کودک در هر سنی، انتظارات معقول و متناسب با رشد وی داشته باشند؛ زیرا چشم‌داشت خارج از توان سنی کودک، او را به احساس حقارت خواهد کشاند. از سوی دیگر، والدین و مربیان با آگاهی از مراحل رشد، می‌توانند آنان را پیشاپیش برای دگرگونی‌های جسمی، عاطفی و رفتاری مرحله بعد آماده سازند.

یکی از ویژگی‌های والدین موفق این است که همیشه دغدغه شناخت و ویژگی‌های فردی کودک را دارند و به شناخت‌های کلیشه‌ای بسنده نمی‌کنند. اینان مدت‌ها پیش از پدر و مادر شدن، از آگاهی‌های لازم برخوردار می‌شوند و این کار مستلزم صبر، پشتکار و اعتماد به نفس است. مادری که با مراحل رشد و مقتضیات هر دوره، مقاطع تعادل و عدم تعادل و دوره‌های حساس آشنا باشد، رفتارهای فرزندش را به درستی درک کرده، تفسیر می‌نماید و واکنش مناسبی در برابر هر رفتار دارد. برای نمونه، در بعضی از مقاطع رشد، وجود تنش و اضطراب، بی‌تصمیمی، عدم اطمینان و امنیت و رفتارهایی از این دست، طبیعی است که اگر مادر از این موضوع بی‌اطلاع باشد، رفتارهای کودک را غیرطبیعی و دشوار تفسیر می‌کند و واکنش نامناسبی نیز خواهد داشت که باعث آسیب‌های روحی زیادی خواهد شد. نمونه دیگر، اینکه روانشناسان اوج حساسیت و زودرنجی پسران را یازده سالگی و دختران را دوره بلوغ می‌دانند. (نوابی نژاد، ۱۳۷۵)

۲-۲۳. آگاهی از اصول تربیت

مادر برای موفقیت در ایفای نقش خود، باید از اصول تربیتی آگاه باشد. چنین نیست که تمام والدین ناکارآمد، فرزندان خود را دوست ندارند و یا نسبت به تربیت و رشد آنها بی‌تفاوت‌اند. گروهی تلاش زیادی می‌کنند، ولی به دلیل ناآگاهی، ناهماهنگی و مشکلات شخصی، در ایفای نقش خویش موفق نخواهند بود. (کاو، ۱۳۸۷) مادر باید بداند اصلاح خود، اصلاح محیط، تغافل، موعظه و احترام، پذیرش کودک و ایجاد اعتماد به نفس، از نکات مهم تربیتی است و باید روش‌های رسیدن به آنها را بداند. (فائمی، ۱۳۶۸). مادر شایسته می‌داند

چگونه فرزند خویش را با پاداش، به عمل و رفتار مطلوب برانگیزد، می داند تکرار و ممارست عملی، باعث تثبیت رفتار و مورد تأیید اسلام و روانشناسی است، به توان کودک توجه دارد و مقایسه گرنیست (نجاتی، ۱۳۸۷). همچنین با فنون آموزش گام به گام و تدریجی آشنا است. مونتسوری می گوید: «کودک در یک زمان و سن نمی تواند چندین مهارت و عنوان آموزشی را بیاموزد و آموزش باید تدریجی باشد» (کرین، ۱۳۹۰).

۲۴-۲. بازی و هم کلامی با کودک

هم بازی و هم صحبت شدن با کودک در تعلیم و تربیت اسلامی و روان شناسی کودک، جایگاه ویژه ای دارد. **جان لاک** گفته است: «تعلیم و تربیت وقتی بیشترین تأثیر را دارد که سه اصل در آن رعایت شود؛ کودک از آن لذت ببرد، همراه با بازی و گام به گام باشد». به عقیده بالبی و همکارانش نیز در برخورد با کودک باید تواضع داشت و با او همراه شد. فراهم کردن زمینه برای صحبت کردن کودکان، در رشد آنها تأثیر مهمی دارد و نبود زمینه هم کلامی و بیان احساسات و افکار، به سرکوبی آنها و بازداری شناختی می انجامد. رشد شناختی، کلامی، تقویت خودپنداره و اعتماد به نفس و ابراز وجود، از فواید بازی و هم کلامی با کودک است. مادر شایسته در گفتگوی احترام آمیز با کودک - خطاب کردن با نام ها و القاب زیبا و ارزشی، محبت کلامی و...- زمینه رشد شخصیت او را فراهم می آورد. این مادر، هم راز کودک خویش است و با او صحبت می کند تا او نیز فرصت یابد حرف های خود را بیان کند؛ زیرا سرکوبی حرف ها و هیجان ها و انبار کردن آنها، باعث به خطر افتادن سلامت روان می شود. مادر شایسته از هم بازی و هم کلام شدن کودک با هم سالانش نیز غافل نیست و می داند هم بازی و هم کلام شدن والدین با کودک ضروری است، ولی کافی نیست و او با هم سالان خود نیز باید در تعامل باشد. روان شناسان، انزوای کودک را یکی از عوامل ناهنجاری در کودکی و بعد از آن می دانند.

(شاملو، ۱۳۸۶)

۲۵-۲. ارتباط مؤثر

ارتباط مؤثر به معنای پذیرش و توجه به تفاوت های فردی، صداقت در رفتار و گفتار، عدم پیش داوری و انتقاد غیر واقعی، احترام به رفتار و باورهای طرف مقابل و شرکت دادن او در تصمیم گیری است. دستور دادن، تهدید، نصیحت و تحقیر از موانع ارتباط مؤثر است.

مادر شایسته باید ابتدا با همسر و سپس با فرزندانش ارتباط مؤثر داشته باشد. ارتباط مؤثر سبب افزایش اعتماد به نفس، بالا رفتن کیفیت زندگی، سلامت جسمی، سازگاری و کاهش استرس در زندگی شده، بر سلامت روان اثر مستقیم دارد و زیربنای خانواده کارآمد با فرزندان سالم است. مادر تا زمانی که با فرزندان خود چنین ارتباطی نداشته باشد، نمی‌تواند نیازها، ناراحتی‌ها و مشکلات آنان را کشف کند؛ زیرا ارتباط مؤثر باعث رفاقت و اعتماد بیشتر خواهد شد. از جمله مؤلفه‌های ارتباط مؤثر می‌توان پذیرش بی‌قید، احترام به شخصیت فرزند و رعایت ادب و احترام و در نهایت گوش دادن فعال را نام برد. (سعادت‌مند، ۱۳۷۶)

۲-۲۶. الگو بودن

تأثیر رفتار و شخصیت مادر، بیش از گفتار او است و روابط متقابل والدین با هم و با فرزند و اوضاع کلی خانواده است که کودک را تربیت می‌کند. از این رو، مادر که اولین و تأثیرگذارترین الگوی عملی کودک است، باید صفات مثبت شخصیتی و ویژگی‌های مؤثر در فرایند الگوگیری را داشته باشد. ویژگی‌های روحی الگو که در ایجاد ارتباط مؤثر با مشاهده‌گر مؤثرند، از این قرارند: قابل اعتماد و معتبر بودن که پایه آن صلابت و قدرت است، عواطف و احساسات قوی، مهارت‌های اجتماعی و توانایی ارتباط قوی با مخاطب. جذابیت، لحن صدای دلنواز و شیوا، چهره گیرا و ظاهر آراسته و بهنجار نیز از لوازم ظاهری برقراری این ارتباط است. (ابراهیمی، ۱۳۹۰)

۲-۲۷. توجه به نیازهای کودک

مادر شایسته، افزون بر ویژگی‌های گفته‌شده، باید به نیازهای کودک در تمام زمینه‌ها حتی در خرید لباس و اسباب بازی توجه نماید. اگر این موارد مطابق با نیاز و علاقه او باشد، با تمرکز حواس شگفت‌انگیزی به آنها مشغول شده، لذت خواهد برد. یکی دیگر از نیازهای کودک، هم‌نشینی و بازی در طبیعت است. حضور در طبیعت و بازی در آن مورد علاقه کودک و نیاز او است. مونتسوری بازی و حضور در طبیعت را توصیه می‌کند و می‌گوید: «کودکان بیش از بزرگسالان به طبیعت کشش دارند و از بودن با آن احساس آرامش و لذت می‌کنند». از این رو باغبانی، کشاورزی، نگهداری گل و گیاه و مراقبت از حیوانات در مدرسه مونتسوری مورد توجه بود. او اعتقاد داشت کودک با این کارها مسئولیت‌پذیری را می‌آموزد، شکفتن و خشک شدن گیاهان را می‌بیند و صبر را می‌آموزد و درمی‌یابد آنها نیز از مخلوقات خدایند و حقوقی دارند.

بدین ترتیب از نظر روحی رشد می‌کند. (ویلیام، ۱۳۹۰)

۳. مقایسه دیدگاه اسلام و روان‌شناسی

در پاسخ به این پرسش که آیا ملاک‌های شایستگی از دیدگاه آموزه‌های اسلامی و روان‌شناسی متفاوت است، باید گفت دیدگاه اسلام و روان‌شناسی در مورد ویژگی‌ها، در بسیاری از موارد شباهت و هم‌پوشانی دارد. گاهی نیز دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. در این بخش ضرورت ندارد که موارد تشابه بررسی شود، ولی اشاره به وجوه افتراق مفید است.

الف) آموزه‌های دینی، در مورد اهمیت جایگاه و نقش مادر، اختلاف نظری ندارند، ولی در روانشناسی در میزان تأثیر و اهمیت نقش مادر، اختلاف‌های فراوانی دیده می‌شود.

ب) با اینکه اسلام، انسان را در بالاترین جایگاه تصویر می‌کند، ولی هویت او را فقط در ارتباط با خالق جهان و کل هستی دارای معنا و مفهوم می‌داند. بنابراین، محور رشد و کمال انسان، خدا و قرب الهی است که در روانشناسی چنین نیست.

ج) رسالت مادر در اسلام، پرورش انسان کامل، سالم و دینی است، ولی روانشناسی به دنبال پرورش استعداد‌های انسان است. راجرز می‌گوید: «مکانیزم آدمی تنها یک هدف را دنبال می‌کند و آن، تحقق کامل استعداد‌های بالقوه، افزایش کارایی و ارتقای فردی و اجتماعی است».

د) در روانشناسی، وراثت و محیط و تعامل آن دو را عوامل شایستگی می‌دانند، ولی اسلام با پذیرش تأثیر آنها، اراده و اختیار فرد را تعیین‌کننده نهایی می‌داند.

ه) از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، ایمان، دین‌داری، تقوی، توفیق الهی و پاک بودن از رذایل و محرمات، مقدمه شایستگی مادر است، ولی در روانشناسی به این موضوعات پرداخته نشده است. برخی صاحب‌نظران نیز تأثیر مذهب و دین را پذیرفته‌اند، ولی تفسیر آنان از مذهب و دین با تفسیر اسلامی متفاوت است.

و) در معارف دینی، هدف تمام تلاش‌ها، ارتقای معنویت و کمک به هدایت و رسیدن به شایستگی انسان است که این امر با اقتدا به الگویی کامل و الهی حاصل می‌شود و خداوند متعال با ارایه الگو‌هایی، راه پیمودن شایستگی را معرفی کرده است، (ابراهیمی، ۱۳۹۰) ولی یکی از اهداف روان‌شناسی، بهبود کارکرد فردی، خانوادگی و اجتماعی است و هر کس از هزراهی به

آن هدف رسیده باشد، الگو خواهد بود.

ز) اسلام، ویژگی‌ها را با در نظر گرفتن مصالح مادی و معنوی و آثار دنیوی و اخروی آنها بیان کرده، ولی در روانشناسی، فقط به مصالح مادی و آثار دنیوی ویژگی‌ها توجه شده است.

ح) در مورد روش رفتار با فرزندان و سایر ویژگی‌های مادر، در اسلام و سیره معصومان علیهم‌السلام اختلافی دیده نمی‌شود، ولی صاحب‌نظران روان‌شناسی در این موضوع اختلاف نظرهای زیادی دارند. برای نمونه، در مورد تشویق و تنبیه کودک و نحوه آموزش او اختلاف دیدگاه وجود دارد.

ط) اسلام در تمام مراحل کسب شایستگی، همگان را ملزم به رعایت اصول و دستورات شرعی می‌داند و رسیدن به شایستگی را از هر راهی مجاز ندانسته، ولی در روان‌شناسی چنین نیست. برای نمونه، سقط جنین را به دلیل مصالح سطحی مادر و خانواده و آسایش بیشتر آنان مجاز می‌داند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابراهیمی، جواد. (۱۳۹۰). بررسی روش الگویی، رویکرد دینی و روان شناختی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲. ابن بابویه قمی، علی بن حسین. (۱۳۸۶). *علل الشرائع*. قم: چاپ افست.
۳. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۳۶۳). *لسان العرب*. قم: نشر ادب حوزه.
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. تحقیق: ابراهیم، محمد ابوالفضل. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۵. اتکینسون، ریسا ال. و همکاران. (۱۳۸۵). زمینه روان شناسی هیلگارد. مترجم: براهنی، محمد نقی. و همکاران. تهران: انتشارات رشد.
۶. ارگانی بهبهانی، محمود. (۱۳۷۹). فرهنگ تربیت فرزند در اسلام. قم: نشر پیام مهدوی.
۷. افروز، غلامعلی. (۱۳۷۴). روان شناسی تربیت کودک و نوجوان. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۸. افروز، غلامعلی. (۱۳۸۹). مبانی روان شناختی تحکیم خانواده در غربت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. امینی، ابراهیم. (۱۳۸۴). آشنایی با وظایف و حقوق زن. قم: بوستان کتاب.
۱۰. ایلین میویس، هنرینگتون. (۱۳۷۳). روان شناسی کودک. مترجم: طهوریان، جواد. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. باجر، جیمز. (۱۳۸۸). آسیب شناسی روانی. مترجم: سید محمدی، یحیی. تهران: نشر ارسباران.
۱۲. البستانی، فواد افرام. (۱۳۷۲). فرهنگ عربی به فارسی. مترجم: بندر بیگی، محمد. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۳. بهشتی، احمد. (۱۳۷۲). اسلام و تربیت کودک. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات.
۱۴. جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۸۴). زن در آیین جلال و جمال. قم: نشر اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۹۱). مفاتیح الحیاه. قم: نشر اسراء.
۱۶. حبیب زاده، عباس. (۱۳۷۷). بررسی رابطه بین الگوهای رهبری (شیوه های تربیتی والدین) و سبک های اسنادی فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. قم: مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۷. الحز العالمی، (بی تا). وسائل الشیعه. تهران: چاپخانه اسلامی.
۱۸. حسینی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۱). اصول بهداشت روانی. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی.
۱۹. دستغیب، سید عبد الحسین. (۱۳۸۵). گناهان کبیره. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۰. دشتی، محمد. (۱۳۶۴). مسئولیت تربیت و بررسی نقش زنان و مادران. قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
۲۱. رحیمی، حوریه. (۱۳۷۶). بررسی رشد اخلاقی کودکان ۱۳-۱۲ ساله دارای والدین و محروم از والدین. پایان نامه کارشناسی رشته روانشناسی. تهران: دانشگاه آزاد.
۲۲. سالاری فر، محمدرضا. (۱۳۸۵). خانواده در تکریم اسلام و روان شناسی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۳. سعادت مند، نیره سادات. (۱۳۷۶). بررسی رابطه کارایی خانواده و سلامت عمومی فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه آزاد رودهن.
۲۴. شاملو، سعید. (۱۳۸۱). بهداشت روانی. تهران: انتشارات چهر.
۲۵. شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۶۶). فنون تربیت کودک. تهران: شرکت سهامی چهر.
۲۶. صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۷۴). چالش فمینیسم با مادری. فصلنامه کتاب زنان، ۲۸ (۷)، ۱۹-۴۳.
۲۷. عطاران، محمد. (۱۳۶۶). آراء مربیان بزرگ مسلمان در تربیت کودک. تهران: وزارت ارشاد.
۲۸. غرویان، محسن. (۱۳۸۳). تربیت فرزند با نشاط و سالم. قم: انتشارات احمدیه.
۲۹. فریدمن، جین. (۱۳۸۱). فمینیسم. مترجم: مهاجر، فیروزه. تهران: انتشارات آشیان.
۳۰. فریمن، جان. (۱۹۳۵). اساس کیفی تعلیم و تربیت و رشد شایستگی. مترجم: ریحانی، داود. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
۳۱. فلسفی، محمد تقی. (۱۳۷۷). کودک از نظر وراثت و تربیت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۲. قائمی، علی. (۱۳۶۸). نقش مادر در تربیت. تهران: انتشارات امیری.
۳۳. قاسمی، سلیمان. (۱۳۸۲). آموزه های بهداشت و سلامت روان با توجه به سیره علمی و عملی پیامبر و امام علی علیه السلام. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی. قم: مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۴. کاوه، سعید. (۱۳۸۷). زن بودن یا شدن بررسی عوامل تأثیرگذار در فرایند رشد زنان. تهران: انتشارات سخن.
۳۵. کدیور، پروین. (۱۳۷۹). روان شناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت.
۳۶. کرین، ویلیام. (۱۳۹۰). نظریه های رشد. مترجمان: خوبی نژاد، و رجائی. تهران: انتشارات رشد.
۳۷. گنجی، حمزه. (۱۳۷۶). بهداشت روانی. تهران: نشر ارسباران.
۳۸. مجلسی، محمد باقر. (بی تا). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۹. محمدزاده، راضیه. (۱۳۸۴). *مادر اگر اینگونه می بود*. تهران: انتشارات منیر.
۴۰. محمدی. حسن. (۱۳۷۹). *عزت نفس از دیدگاه اسلام و روان شناسی*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی. مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۶). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی- امام خمینی علیه السلام.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن*. قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب علیه السلام.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۴. نجاتی، محمدعثمان. (۱۳۸۷). *قرآن و روان شناسی*. مترجم: عرب، عباس. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۴۵. نوایی نژاد، شکوه. (۱۳۷۵). *رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان*. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۴۶. نوری الطبرسی، میرزا حسین. (بی تا). *مستدرک الوسائل*. قم: لایحیاء التراث.
۴۷. نیلی پور، مهدی. (۱۳۸۰). *فرهنگ فاطمیه. الفبای شخصیتی حضرت زهرا علیه السلام*. اصفهان: مرکز فرهنگی شهید مدرس.
۴۸. وزیری، شهرام. (۱۳۸۰). *روان شناسی بالینی کودک*. تهران: انتشارات ارسباران.
۴۹. وطن دوست، رضا. و ایروانی، جواد. (۱۳۹۰). *فرهنگ روابط اجتماعی درآموزه های اسلامی*. شخصیت متعادل. سازگاری و گذشت. مشهد: دانشگاه رضوی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی